

همیشه خواستن توانستن نیست!



دکتر مهتاب علی‌نژاد

جلسه‌شناس

چند سالی می‌شود که بازار انگیزه‌فروشان رونق دارد، کسانی که ادعا می‌کنند می‌توانند رمز و راز موفقیت را بیفروشند، شما در دوره‌های انگیزشی آنان ثبت‌نام می‌کنید، چند ساعتی در یک همایش یا کارگاه آموزشی یا کلاس‌های دوره‌ای می‌نشینید و شعارهای انگیزشی مدرس جلسه را می‌شنوید، درباره روان‌شناسی، خودباوری، اعتمادبه‌نفس و خلاصه اینکه اگر بخواهید می‌توانید، چرا که نه؟! شما در دایره‌ای از حس ناتوانی احاطه شده‌اید، در خستگی از شکست‌های پیاپی، در نارضایتی از آنچه تجربه‌اش می‌کنید، چه در حوزه کار و اشتغال چه مشکلات خانوادگی، چه بیکاری یا حتی روابط عاشقانه یا بین‌فردی والد و فرزند، شما مجموعه‌ای از یأس‌ها را تجربه می‌کنید و مستأصل هستید که شعارهای انگیزشی می‌تواند روی شما تأثیر بگذارد و ذهنتان را به سوی شرکت در همایش‌ها و گوهایی موفقیت‌محور بکشاند و بعد منتظر یک اتفاق هستید تا قانون جذب آن را برایتان به ارمغان بیاورد.

➤ فروشندگان موفقیت

چه این همایش‌های موفقیت و دوره‌های کسب اعتمادبه‌نفس در مؤسسات برگزار شود چه از سوی سازمانی که در آن مشغول به کار هستید به صورت کارگاه آموزشی باشد یا از طریق فضای مجازی، همگی، یک هدف دارند. فروشندگان موفقیت خود را استاد خلاقیت معرفی می‌کنند، انسان‌هایی که توانسته‌اند زندگی خود را به جایگاه رضایتمندی برسانند و اکنون آمده‌اند تا استفاده از روان‌شناسی عوام‌پسند و با تولید انگیزش، شما را نیز به دروازه‌های موفقیت راهنمایی کنند. اما آیا به‌راستی شما انسان ناموفقی هستید و آیا واقعاً تحت شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و زیستی کنونی با توجه به امکانات خود و محدودیت‌هایی که داشته‌اید می‌توانسته‌اید بهتر عمل کنید و نکرده‌اید؟

➤ مهارت‌حل مسئله یا تغییر آن

پاسخ استادان انگیزشی این است که می‌توانستید و شما به دلیل نداشتن انگیزه کافی یا اعتمادبه‌نفس یا مشخص نبودن هدف، نتوانسته‌اید به آنچه می‌خواسته‌اید دست یابید. اما این برداشت سطحی‌انگارانه تا واقعیت زیستی و اجتماعی شما و زندگی‌تان بسیار فاصله دارد. یکی از مصادب زندگی مدرن این است که آدم‌ها به اندازه‌ای در روزمرگی‌ها و تأمین بقا و در مواردی که بحران اقتصادی وجود ندارد در مصرف گرایی غرق می‌شوند که گاهی ذهن آنان قدرت پردازش عقلانی و منطقی را از دست می‌دهد و گرفتار تله سودجویان عرصه‌های آموزشی بی‌کارکردی نظیر همین دوره‌های موفقیت و انگیزش می‌شود. زندگی مدرن که سبک متفاوتی از زندگی سنتی گذشته را شامل می‌شود، در عصر ارتباطات سبک اجتناب‌ناپذیر زندگی است. شما به عنوان یک زن در دوره کنونی که اشتغال زنان به امری اجتناب‌ناپذیر برای تأمین هزینه‌های زندگی درآمده

➤ انسان زندگی مدرن در گردبادی از نیازها گرفتار است

رفاه شما در عصر فناوری بیشتر شده است و البته که افزایش دغدغه‌ها و مخاطرات همراه آن نیز اجتناب‌ناپذیر است. شما به عنوان یک همسر، دختر یا مادر، سرشار از اضطراب پیشرفت هستید، اضطراب هماهنگی با خانواده و جامعه، فشار روانی امکانات محدود و نیازهای فزاینده‌ای که هر روز، جامعه برای شما تولید می‌کند. حتی اگر اهل چشم‌وهم‌چشمی‌های اجتماعی نباشید که در جامعه ایرانی رقابت‌های رفاه‌زده امری فرهنگی و معمول شده است، باز هم درگیر مصائب تغییرات اجتماعی و فرهنگی شناخته روزگار کنونی هستید. در واقع، انسان زندگی مدرن در گردبادی از نیازها و برآورده‌نشدن‌ها گرفتار است و هیچ مدعی انگیزشی یا مدرس موفقیتی نمی‌تواند بگوید انسان می‌تواند تنها با تلاش شخصی و افزایش اعتمادبه‌نفس، خود را از این گردباد برهاند. انسان موجودی اجتماعی است و همان شعار قدیمی خواستن توانستن کلیشه

نخ‌نما و از کار افتاده‌ای است که برای زندگی مدرن صدق نمی‌کند زیرا انسان مدرن در احاطه فشارهای اجتماعی، پیشرفت روزافزون فناوری، تبلیغات فزاینده سرمایه‌داری برای فروش محصولات، زندگی خانوادگی و رقابت‌های انسانی قرار دارد. گاهی این احاطه نامرئی است و ممکن است در خستگی‌های روزمره خود توان آن را نیابید که موقع ارزیابی عملکردتان همه جوانب اثرگذار بر تصمیم‌گیری‌هایتان را بسنجید، و همین است که سبب می‌شود در تله‌های انگیزشی گرفتار شوید در شعارهای نخ‌نمای «تو می‌توانی اگر بخواهی».

➤ سراغ تسکین‌های لحظه‌ای نروید

همین حالا نگاهی عمیق به زندگی خود بیندازید. فهرستی از امکاناتی که دارید تهیه کنید. انتظاراتی را که خانواده از شما دارد در مقابل امکاناتی که در اختیار دارید بنویسید. فشارهای اجتماعی‌ای را که بر زندگی‌تان سنگینی می‌کند فهرست کنید.



عکس: سعید گلی

ساده‌ترین نمونه آن می‌تواند بحران‌های مالی و نیاز فرزند شما یا خودتان به تلفن همراه هوشمند برای امکان ارتباط و آموزش یا فعالیت اقتصادی در دوره همه‌گیری کرونا باشد. آیا وقتی مسیرهای حرکت مسدود باشند، می‌توانید با افزایش اعتمادبه‌نفس یا با لیخنه بیدار شدن، از مسیرهای مسدود عبور کنید؟ به جای سرازیر کردن پول و هدر دادن وقتتان در دوره‌های موفقیت که تنها یک تسکین لحظه‌ای تا زمانی هستند که در همایش یا کلاس نشسته‌اید، سعی کنید آگاهی‌تان درباره مخاطرات زندگی مدرن را افزایش دهید. آنگاه درکی متناسب‌تر با واقعیت درباره زندگی‌تان پیدا می‌کنید و قدرت تشخیص زبان‌های بازار پررونق همایش‌های انگیزشی و دوره‌های موفقیت بر زندگی فردی‌تان را کسب می‌کنید و از آنچه برای پرورش خردمندانه ذهن‌تان مضرت است، چه در فضای واقعی چه در فضای مجازی، فاصله می‌گیرید. یادتان باشد در زندگی مدرن، خواستن توانستن نیست.

ایران‌دخت

نخستین زن عکاس در مشهد



غلامرضا آذری خاکستر
فارس و مجسمه‌ساز



عکس: شادی قادریان

با پیدایش و اختراع عکاسی، این صنعت همراه با هنر آن وارد ایران شد. براساس پژوهش‌های انجام‌شده، نخستین عکاسی که تصاویری از ایرانیان تهیه کرد ژول ریشار بود که اولین عکس‌ها را به شیوه داگرتیپ در اواسط دوره پادشاهی محمدشاه قاجار و حدود سال ۱۲۶۰ قمری/ ۱۸۴۴ میلادی، در کاخ سلطنتی تهران از شاه و درباریان تهیه کرده است. خانم آتابای ولف در کتاب «فهرست البوم‌های سلطنتی»، ناصرالدین‌شاه را به صدر این فهرست آورده و از او به‌عنوان نخستین عکاس ایران نام برده است. در سال ۱۲۷۵ قمری/ ۱۸۵۸ میلادی، آنتونیو جانوتسی، افسر ایتالیایی، نخستین عکس‌برداری را از شهر مشهد و بناهای مقدسه آن و شهرها و روستاهای مسیر تهران انجام داد. پس از آن، در سال ۱۲۸۳ قمری، مقارن سفر اول ناصرالدین‌شاه به مشهد، آقازاده عکاس‌باشی که یکی از ملزمان رکاب شاه بود، عکس‌هایی از مشهد تهیه کرد. در دومین سفر ناصرالدین‌شاه به مشهد در سال ۱۳۰۰ قمری نیز منوچهرخان عکاس‌باشی در زمره همراهان شاه بود. در واقع، سفرهای ناصرالدین‌شاه به خراسان موجب آشنایی مردم مشهد با صنعت عکاسی شد. پس از آن، عکاسانی از مشهد عکس گرفتند که در این میان، عکس‌های عبدا... قاجار در سال ۱۳۰۸ قمری بیش از همه شهرت یافتند و محور توجه قرار گرفتند. می‌توان گفت ۶۰ سال پس از اختراع عکاسی، سرانجام در مشهد عکاس‌باشی، میرزا عبدالجبارف و میرزا فرج... اف که به نظر می‌رسد پدر و پسر یا برادر بودند و عکاسی را در عشق‌آباد روسیه فراگرفته بودند، در محله سراب اولین عکاس‌خانه را دایر می‌کنند و نیز میرزا علی اصغر نامی در روزهای آغاز انقلاب مشروطه به سال ۱۳۲۲ قمری، در مشهد عکاس‌خانه داشت. ایرج افشار در کتاب «گنجینه عکس‌های ایران» از ۲ عکاس به نام‌های میرزا فرج... عباداف (۱۳۱۹ قمری) و میرزا عکاس‌باشی آستان قدس برده است. بنابراین از میرزا فرج... می‌توان به‌عنوان نخستین عکاس بومی ساکن مشهد نام برد. آنچه در تاریخ عکاسی مشهد مهم است موضوع عکاسان زن و نخستین بانوان عکاس در این شهر است، هرچند اسناد تاریخی در این زمینه سکوت کرده‌اند محتوای برخی منابع تاریخی حاکی از آن است بعضی از بانوانی که با فن عکاسی آشنا بوده‌اند در مشهد سکونت داشته‌اند از جمله عزت‌ملک‌خانم دختر امامقلی میرزا و عمادالدوله دولتشاهی. وی در سال ۱۲۸۸ قمری به عقد محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه) درمذواز ملقب به اشرف السلطنه صبیحه عمادالدوله امام‌قلی میرزا دولتشاه بن فتحعلی‌شاه قاجار است. عکس‌های قشنگ برمی‌داشت. عکاسی را نزد شاهزاده سلطان محمد میرزا والد کمترین آموخته بودند.» اشرف‌السلطنه در سال ۱۳۱۳ قمری به علت فوت شوهرش از تهران به مشهد مهاجرت و در خراسان و مشهد ساکن می‌شوند. روایت‌های شفاهی قدس رضوی اهدا کرد. سپس به عقد حاج سید حسین نایب‌التولیه آستان قدس رضوی درآمد. چندی نیز با او زندگی کرد. درباره اینکه وی در مشهد عکاسی کرده یا در این زمینه فعالیت داشته است گزارش وجود ندارد. سرانجام اشرف‌السلطنه در سال ۱۳۳۳ قمری در پنجاه‌وسه‌سالگی در مشهد درگذشت و در حرم مطهر در رواق دارالسیاده به خاک سپرده شد. در اواخر دوره قاجار شاهد مهاجرت ایرانیان مقیم روسیه هستیم. برخی از آن‌ها به خراسان و مشهد ساکن می‌شوند. روایت‌های شفاهی حاکی از آن است در بین مهاجران، زنان عکاس نیز حضور داشته‌اند که عکاسی را به‌عنوان شغل انتخاب کرده‌اند.

آیا وقتی مسیرهای حرکت مسدود باشند، می‌توانید با افزایش اعتمادبه‌نفس یا با لیخنه بیدار شدن، از مسیرهای مسدود عبور کنید؟ به جای سرازیر کردن پول و هدر دادن وقتتان در دوره‌های موفقیت که تنها یک تسکین لحظه‌ای تا زمانی هستند که در همایش یا کلاس نشسته‌اید، سعی کنید آگاهی‌تان درباره مخاطرات زندگی مدرن را افزایش دهید



آن‌ها هم راهی پیدا کنند که به آرزوها و رؤیاهای خود برسند. این کتاب به خوانندگانش انگیزه و اعتمادبه‌نفس می‌دهد و این حقیقت را پیش رویشان می‌گذارد که شاید سخت‌ترین راه‌ها به احساس غرور و افتخاری منجر شود که از بپیمودن آن راه نصیبمان شده است، حتی بدون در نظر گرفتن دستاوردهایش.

مذهبی و فرهنگی در مسیحیت با عقاید عجیب و غریب. پدر خرافاتی تارا که به نظر می‌رسد اختلال دوقطبی هم دارد، دچار بدبینی افراطی به نظام آموزشی، نظام درمانی، پلیس و حکومت است تا جایی که حتی اجازه نمی‌دهد فرزندانش واکسن بزنند یا شناسنامه داشته باشند. به همین دلیل بود که تارا تازه نه‌سالگی شناسنامه‌دار شد و نخستین بار در هفده‌سالگی درس خواندن را شروع کرد. کتاب زندگی‌نامه خودنوشت «دختر تحصیل کرده» رمان گونه‌ای خواندنی است به قلم تارا وستور که از کودکی تا سی‌سالگی‌اش را با همه جزئیات جذاب و خواندنی به تصویر می‌کشد. تارا در همه زندگی‌اش مدام دفترچه یادداشتی همراه داشته که جزئیات گفت‌وگوهای خود با پدر مادر و برادر و بعدها با استادان و دوستانش را در آن یادداشت می‌کرده و همین یادداشت‌ها دستمایه نوشتن زندگی‌نامه الهام‌بخش او شده است. تارا در زندگی با چنین پدری یاد می‌گیرد برای رسیدن به خواست قلبی‌اش که همان تحصیل در مدرسه است راهی پیدا کند، و طبیعی است که می‌داند راهی سخت و پرمشقت پیش رو دارد. زندگی پرتلاطم او در ۳ بخش و ۴۰ فصل نوشته شده است. تارا هم‌اکنون دکترای تاریخ اندیشه و فلسفه سیاسی از دانشگاه کمبریج دارد و

زندگی‌اش آدم‌های مشهور بسیاری را تحت تأثیر قرار داده است. بیل گیتس پس از خواندن کتاب گفته بود: «تا وقتی کتاب تارا وستور را نخوانده بودم، فکر می‌کردم استاد خودآموزی هستم، ولی توانایی تارا در یک‌ه و تنها آموختن مرا ضربه‌فنی کرد!» می‌توانید این کتاب را به کسانی هدیه دهید که با ناملایمات عجیبی در زندگی‌شان روبه‌رو هستند، با موانعی از جنس موانعی که تارا با آن‌ها درگیر بود. شاید

➤ شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

دغدغه ای برای لباس ایرانی

ناهید دلشاد راد، طراح لباس و کارآفرین مشهدی، بیش از ۳ دهه از عمرش را به صورت مفید و مداوم در حال تحقیق و پژوهش درباره هنر لباس و طراحی آن بوده است. او این روزها تنها دغدغه‌اش نشان دادن سبک درست و لباس ایرانی‌اسلامی است.

